



The Nature of Error in Purpose from the Perspective of the Foundations of Criminal Law; with a view to the Penal System of England and Wales

Abbas Mohammadkhani^{*1}  Amir Etemadi² 

1. Corresponding Author: Assistant Professor, Ilam University, Ilam, Iran.

Email: a.mohammadkhani@ilam.ac.ir

2. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran. Email: am.etemadi@gmail.com

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:

Manuscript Received:

20 January 2025

Final revision received:

20 May 2025

Accepted:

10 June 2025

Published online:

21 June 2025

Keywords:

Mistake in purpose,
bad intention,
decision,
Actus reus,
definite,
indefinite

ABSTRACT

In the present article, which is written in a descriptive analytical method, the legal nature of the mistake in purpose in criminal law is investigated. The result of the present research is that a mistake in the goal will not lead to the realization of intentional crimes. Because the malice of a person belongs either to a specific subject or to many unspecified subjects, unlike the latter case where there are as many malice due to the malice belonging to indefinite subjects, the perpetrator's malice in the first case is limited and exclusive in one or several subjects, and therefore, With the "collision" or "non-collision" of the behavior with the object in question, its life ends, and if the behavior hits another object, there is no malice that can be used to consider the recent incident as intentional. Also, there are two types of mistakes in purpose. A state in which only the unintended subject is harmed, and a state in which, in addition to the intended subject, the unintended subject is also harmed. In the second case of a mistake in purpose, in which the perpetrator's behavior affects another subject in addition to the intended subject, it cannot be said that because he intended to commit a crime on one subject, if the perpetrator's behavior also affects any other subject, there is also a intention towards it; Which shows that the mistake in purpose is not intentional.

Cite this article: Mohammadkhani, Abbas; Etemadi, Amir. (2025) "The Nature of Error in Purpose from the Perspective of the Foundations of Criminal Law; with a view to the Penal System of England and Wales", *Criminal Law and Crimiology Studies*, 55 (1): 97-110, DOI: <https://doi.org/10.22059/JQCLCS.2026.387818.1965>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

<https://doi.org/10.22059/JQCLCS.2026.387818.1965>



ماهیت اشتباه در هدف از چشم‌انداز مبانی حقوق کیفری ایران؛ با نگرشی به نظام کیفری انگلستان و ویلز

عباس محمدخانی^۱ | امیر اعتمادی^۲

۱. نویسنده مسئول: استادیار گروه حقوق، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران. رایانامه: a.mohammadkhani@ilam.ac.ir

۲. استادیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه قم، قم، ایران. رایانامه: am.etemadi@gmail.com

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۱۱/۰۱

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۴/۰۲/۳۰

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۰۲/۲۰

تاریخ انتشار:

۱۴۰۴/۰۳/۳۱

کلیدواژه‌ها:

اشتباه در هدف،

تصمیم،

سوءنیت،

دکترین انتقال سوءنیت،

موضوع معین،

موضوع نامعین.

اگرچه اشتباه در هدف اغلب در جنایات بررسی می‌شود، اما این بحث منحصر در جنایات نیست و از این‌رو تبیین ماهیت حقوقی آن به‌طور کلی و صرف‌نظر از جرم خاص اهمیت دارد. در مقاله حاضر که به روش تحلیلی - توضیحی نوشته است، ماهیت حقوقی اشتباه در هدف در حقوق کیفری بررسی شده است. نتایج نشان داد که اشتباه در هدف، موجب تحقق جرایم عمدی نخواهد شد، زیرا از یک طرف، سوءنیت انسان گاه به یک یا چند موضوع مشخص و گاه به موضوعات نامعین تعلق می‌گیرد که برخلاف مورد اخیر که به‌دلیل تعلق سوءنیت به موضوعات نامعین، به تعداد آنها سوءنیت وجود دارد، سوءنیت مرتکب در مورد اول، منحصر در یک یا چند موضوع معین است و از این‌رو با «برخورد» یا «عدم به برخورد» رفتار به موضوع موردنظر، حیات آن به پایان می‌رسد و در صورت اصابت رفتار به یک موضوع دیگر، سوءنیتی وجود ندارد که بتوان به استناد آن، واقعه اخیر را عمدی دانست. افزون بر این، اشتباه در هدف در حالتی هم که، علاوه بر موضوع مقصود، به موضوع غیرمقصود نیز صدمه وارد شود، صدق می‌کند. در این حالت، نمی‌توان گفت که چون مرتکب قصد ارتکاب جرم بر یک موضوع را داشته است، رفتار مرتکب به هر موضوع دیگری نیز که وارد شود، نسبت به آن نیز سوءنیت وجود دارد؛ امری که نشان‌دهنده غیرعمدی بودن اشتباه در هدف است.

استناد: محمدخانی، عباس؛ اعتمادی، امیر (۱۴۰۴). ماهیت اشتباه در هدف از چشم‌انداز مبانی حقوق کیفری ایران؛ با نگرشی به نظام

کیفری انگلستان و ویلز، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، ۵۵ (۱)، ۹۷-۱۱۰.

DOI:https://doi.org/10.22059/JQCLCS.2026.387818.1965



© نویسندگان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

https://doi.org/10.22059/JQCLCS.2026.387818.1965

مقدمه

یکی از مباحث مهم و بحث‌برانگیز در حقوق کیفری و به‌خصوص در مبحث قتل، اشتباه مرتکب در هدف است؛ جایی که رفتار مرتکب که به قصد اصابت به فرد معینی انجام شده است، به فرد دیگری برخورد کند و موجب ایراد جنایت بر او شود. چنین جنایتی موجب بحث‌های متعددی بین حقوقدانان شده است. رویه قضایی فرانسه و برخی از حقوقدانان این کشور، قتل ناشی از اشتباه در هدف را عمدی می‌دانند (استفانی و همکاران، ۱۳۷۸: ۵۳۳). همین نظر در میان حقوقدانان ایرانی (محسنی، ۱۳۸۲: ۲۳۳ - ۲۳۴) و رویه قضایی قبل از انقلاب در ایران^۱ و نیز در میان تعداد اندکی از فقیهان شیعه مشاهده می‌شود (کاشف‌الغطاء، بی‌تا: ۳۰۹).

در مقابل، بسیاری از حقوقدانان و نیز رویه قضایی آلمان، در حالت وقوع خطای در هدف، نسبت به شخص موردنظر، قائل به شروع به جرم و نسبت به فرد کشته‌شده، قائل به تحقق قتل غیرعمدی هستند (Bohlander, 2009: 74). برخی از حقوقدانان فرانسوی نیز معتقدند که در این حالت، یک جرم ناقص نسبت به شخص مورد هدف و یک جرم غیرعمدی نسبت به مجنی‌علیه واقع شده است (یرادل، ۱۳۸۶: ۵۱). مشهور فقیهان امامیه نیز چنین جنایتی را خطای محض می‌دانند (علامه حلی، ۱۴۱۳ق: ۵۸۲؛ شهید ثانی، بی‌تا: ۱۰۵). با این استدلال که مرتکب قصد ایراد جنایت بر قربانی را نداشته است (علامه حلی، ۱۴۱۳ق: ۵۸۲؛ شهید ثانی، بی‌تا: ۱۰۵؛ فاضل اصفهانی، بی‌تا: ۱۴).

حقوقدانان کنونی ایران اغلب اشتباه در هدف را در بحث قتل و جنایات بررسی کرده و ماهیت آن را غیرعمدی دانسته‌اند (پوربافرانی، ۱۳۹۲: ۹۶؛ صادقی، ۱۳۹۳: ۲۷۷؛ میرمحمد صادقی، ۱۳۹۹: ۳۷۷)؛ هرچند برخی از آنها معتقدند که این جنایت از نظر ماهیتی، عمدی محسوب می‌شود (اردبیلی، ۱۳۹۲: ۱۹۳؛ زراعت، ۱۳۹۴: ۱۲۶).

در پژوهش حاضر که به بررسی ماهیتی این نوع جنایت اختصاص یافته است، نویسنده با روش تحلیلی-توصیفی درصدد تحقیق در خصوص ماهیت این اشتباه از نظر اصول و قواعد حاکم بر حقوق کیفری ایران است و از این‌رو صرف‌نظر از حکم این جنایت در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲^۲، تمرکز مقاله حاضر بر ماهیت این اشتباه از نظر قواعد علمی حاکم بر حقوق

۱. برای نمونه، این دیدگاه در آرای زیر مشاهده می‌شود: «اگر کسی به قصد قتل یک نفر تیری به طرف او خالی کند، ولی تیر به خطا رفته و به دیگری اصابت کند و به قتل برسد، چنین عمل واحدی که ناشی از یک تصمیم و مربوط به یک فکر و اراده می‌باشد، اصولاً دو جرم محسوب نمی‌شود تا مستلزم تعیین دو مجازات گردد و عمل ارتكابی از لحاظ آنکه مرتکب قصد کشتن انسانی را داشته و در اثر خطای تیر، به انسان دیگری اصابت و موجب فوت او شده یک جرم به‌شمار می‌رود که مشمول ماده ۱۷۰ قانون مجازات عمومی است». آرای شماره ۱۸۰۷ مورخ ۱۳۱۶/۰۸/۱۵ و شماره ۱۸۰۰ مورخ ۱۳۱۶/۰۸/۱۵ شعبه دوم دیوان عالی کشور.

۲. به نظر نگارندگان، قانونگذار با استفاده از نظر مشهور فقیهان شیعه، جنایت ناشی از اشتباه در هدف را در بندهای «الف» و «ت» ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی و بند «پ» ماده ۲۹۲ همان قانون غیرعمدی دانسته، هرچند به حکم اشتباه در هدف

کیفری است. به بیان دیگر، نویسنده درصدد پاسخگویی به این پرسش است که صرف‌نظر از حکم قانونگذار ایرانی در مورد اشتباه در هدف و نیز موضع کشورهای مختلف، این نوع اشتباه از نظر تطبیق با مبانی حقوق کیفری، ذیل جرایم عمدی یا غیرعمدی قرار می‌گیرد؟ در راستای پاسخ‌دهی به این پرسش، مفهوم اشتباه در هدف، ادله موافقان عمدی بودن آن و آموزه سوءنیت انتقال‌یافته که در برخی نظام‌های کیفری غربی، به‌ویژه انگلستان و ویلز، در مورد جرایم مختلف (نه فقط جنایات) مورد اتکا قرار می‌گیرد، بررسی خواهد شد تا زمینه شناخت هرچه بیشتر ماهیت اشتباه در هدف فراهم آید.

۱. شناخت مفهوم اشتباه در هدف

اشتباه در هدف از ترکیب دو واژه «اشتباه» و «هدف» ایجاد شده است. اشتباه در لغت به معنای تصور خلاف واقع از چیزی، خطا و لغزش آمده است (انوری و همکاران، ۱۳۹۳، ج ۱: ۴۲۱)؛ و هدف یعنی مقصود، منظور، آنچه در زمان تیراندازی به آن شلیک می‌کنند و نشانه (انوری و همکاران، ۱۳۹۳، ج ۸: ۸۳۱۸). با توجه این مفاهیم لغوی، باید دانست که مراد از اشتباه در هدف، حالتی است که فردی قصد ارتکاب رفتار بر موضوعی را دارد، اما رفتار او بر موضوع دیگری اصابت می‌کند، خواه رفتار مرتکب بر هدف اول برخورد کند یا نکند، مانند اینکه تیری را به قصد کشتن یک انسان یا تخریب مالی رها کند، اما به انسان یا مال دیگری اصابت کند. بنابراین تحقق اشتباه در هدف، منوط به عدم اصابت رفتار بر موضوع موردنظر نیست و ممکن است رفتار مرتکب علاوه بر موضوع موردنظر، به موضوع دیگری نیز برخورد کند، مانند آنکه غذایی که مرتکب برای مسموم کردن مجنی‌علیه در نظر گرفته است، هم توسط قربانی و هم فردی که موردنظر مرتکب نیست، مصرف شده و به هر دو صدمه وارد آید یا سنگی که مرتکب برای شکستن شیشه خانه فرد الف پرتاب کرده است، علاوه بر شکستن شیشه موردنظر به اموال فرد دیگری نیز خسارت بزند. به بیان دیگر، تمرکز اصلی در اشتباه در هدف، اصابت رفتار بر موضوعی است که مورد قصد نیست، اعم از اینکه رفتار مرتکب بر هدف مقصود او نیز وارد آید یا اینکه صرفاً به هدف یا اهداف غیر مقصود اصابت کند.

در واقع، اشتباه در هدف دو حالت دارد: اول، حالتی که رفتار مرتکب بر موضوع موردنظر

در مورد جرایم دیگر اشاره نکرده است. باری چون موضوع مقاله حاضر، بررسی ماهیت اشتباه در هدف از نظر اصول حاکم بر حقوق کیفری است، از ورود به بحث قانونی مربوط به اشتباه در هدف در قانون مجازات اسلامی، به‌منظور پرهیز از خروج موضوعی، خودداری شد.

۱. بنابراین تعریف برخی از حقوقدانان که اشتباه در هدف را به برخورد رفتار به فرد غیرمقصود تعریف کرده‌اند (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۹: ۳۷۶ و ۳۷۷)، قابل پذیرش نیست.

اصابت نکرده و تنها به موضوع دیگر برخورد کند (مانند آنکه تیر رهاشده به سمت الف، تنها به شخص ب برخورد کند). یک نمونه از این وضعیت در پرونده‌ای اتفاق افتاد که متهم آن به‌عنوان سرباز وظیفه مشغول خدمت بود و درحالی‌که همراه با دو سرباز وظیفه دیگر در قسمت عقب خودرویی سوار شده بود، نزدیک یک روستا که رسیدند، کبوترهایی را نشانه گرفت و ابتدا به‌صورت تک‌تیر، و سپس، به‌صورت رگبار شلیک کرد. تیراندازی به قتل فرد هشتادساله‌ای منجر شد. متهم به تیراندازی اعتراف کرد، ولی منکر اصابت تیر خودش به مقتول بود و ادعا می‌کرد که هر سه نفر تیراندازی کرده‌اند. دادگاه رسیدگی‌کننده به‌دلیل اشتباه در هدف‌گیری (تیراندازی) قتل ارتكابی را غیرعمدی تشخیص داد و حکم به پرداخت یک فقره دیه کامل مرد مسلمان صادر کرد. هرچند که از حکم صادرشده فرجام‌خواهی شد، اما دیوان عالی کشور آن را ابرام نمود (رای شماره ۳۱۰۳ مورخ ۱۳۷۳/۱۱/۲۶، شعبه ۲۷ دیوان عالی کشور؛ بازگیر، ۱۳۸۲، ج ۱: ۲۳ و ۲۴)؛ دوم، رفتار مرتکب علاوه بر موضوع موردنظر، به یک موضوع دیگر نیز اصابت کند (مانند آنکه تیر رهاشده به سمت الف، پس از برخورد و خروج از بدن او، به ب نیز اصابت کند و او را نیز بکشد).^۱

۲. ماهیت اشتباه در هدف

برای تحلیل ماهیت اشتباه در هدف، لازم است که مواردی که توسط موافقان عمدی بودن اشتباه در هدف بیان شده است، بررسی و نقد شده و در نهایت، عمدی بودن یا نبودن اشتباه در هدف با توجه به دو حالت مختلف این اشتباه مشخص شود.

۲.۱. تفاوت قصد و تصمیم

موافقان عمدی بودن اشتباه در هدف معتقدند که چون مرتکب قصد قتل انسانی را داشته و در عمل نیز انسانی کشته شده است، پس جنایت واقع‌شده عمدی خواهد بود (اردبیلی، ۱۳۹۲: ۱۹۳؛ سپهوند، ۱۳۸۶: ۸۰). در حقیقت، تمرکز استدلال فوق بیش از آنکه بر چگونگی تحقق سوءنیت مرتکب باشد، بر قصد او در تحقق جرم اول است، زیرا این استدلال که مرتکب قصد کشتن انسانی را داشته و انسانی نیز کشته شده است و یا قصد تخریب یک اتومبیل را داشته و اتومبیلی نیز تخریب شده است، نشان‌دهنده این است که مرتکب قصد صدمه به یک موضوع مورد حمایت قانون را داشته و در عمل نیز به یک موضوع مورد حمایت قانونی صدمه وارد شده است.

۱. البته می‌توان فرض سومی را هم در نظر گرفت که رفتار مرتکب که برای مثال به قصد کشتن الف صورت گرفته است، پس از برخورد به او و ایجاد جراحت، به ب نیز برخورد کرده و تنها او را بکشد که البته این حالت را نیز می‌توان ذیل فرض اول قرار داد، زیرا هرچند رفتار مرتکب به فرد مقصود اصابت کرده است، اما نتیجه موردنظر مرتکب نسبت به فرد مقصود (مرگ)، حاصل نشده است.

با وجود این، استدلال مذکور تنها تصمیم مرتکب به ارتکاب جرم را ثابت می‌کند؛ حال آنکه بین تصمیم به ارتکاب جرم با تحقق سوءنیت تفاوت وجود دارد. تصمیم به دلیل ماهیت خود، ناظر به امری در آینده است؛ برخلاف سوءنیت که تنها و لابد نسبت به رفتاری که فرد در شرف انجام آن است، تشکیل می‌شود. دلیل این امر لزوم انطباق و همزمانی عنصر روانی و مادی است. عنصر روانی باید در لحظه ارتکاب رفتار محقق شود و از این رو درست در زمانی که فردی در مقام انجام رفتار برمی‌آید، عنصر روانی او شکل خواهد گرفت و تحقق عنصر روانی، قبل و پس از ارتکاب رفتار، از نظر منطقی محال است. بنابراین، اگر فردی صرفاً تصمیم به قتل یک یا چند نفر (اعم از معین یا نامعین و کلی) را در آینده داشته باشد، عنصر روانی او تشکیل نشده است و تنها در زمان شروع به ارتکاب رفتار (برای مثال کشیدن ماشه)، عنصر روانی وی شکل خواهد گرفت. بر این مبنا، در اشتباه در هدف، هرچند مرتکب قصد کشتن یک فرد مشخص یا تخریب یک مال معین را دارد و از این رو می‌توان گفت که عنصر روانی او در لحظه ارتکاب رفتار شکل گرفته، اما نسبت به موضوعی که عملاً قربانی رفتار او شده است، دارای سوءنیت نیست و صرف تصمیم کلی مرتکب به کشتن یک انسان یا تخریب یک مال را (قبل از ارتکاب رفتار داشته است)، نمی‌توان به عنوان سوءنیت او نسبت به تمامی موضوعات در نظر گرفت. به بیان دیگر، اگر وضعیت ذهنی مرتکب در اشتباه در هدف را بررسی کنیم، وی ابتدا تصمیم به کشتن دیگری یا تخریب مال او می‌گیرد (مرحله تصمیم) و سپس هنگام شلیک، قصد او در کشتن یک انسان معین یا تخریب مال او، تشکیل خواهد شد (مرحله تحقق سوءنیت).

بی‌تردید، مرحله اول نمی‌تواند سوءنیت مرتکب را اثبات کند، زیرا مطابق آنچه بیان شد، مرحله تصمیم، از مرحله تشکیل سوءنیت متفاوت است و از این رو تصمیم مرتکب در توهین یا کشتن یک فرد مشخص یا تخریب یک مال معین، به عنوان یک مرحله پیشاقتصادی، توان تحقق سوءنیت را ندارد. نتیجه آنکه، تمرکز موافقان عمدی بودن اشتباه در هدف بر قصد مرتکب در ارتکاب جرم اول و یا تصمیم او به ارتکاب جرم، از اثبات تحقق سوءنیت عاجز است و برای اثبات سوءنیت باید وجود سوءنیت نسبت به موضوعی را که عملاً قربانی شده است، در نظر گرفت.

۲.۲. تحقق هدف مرتکب

اما فرض دیگر استدلال مذکور این است که در اشتباه در هدف، مرتکب قصد کشتن یک نفر را دارد و یک نفر هم کشته می‌شود و از این رو جنایت بر فرد اخیر نیز عمدی خواهد بود. سؤالی که در این حالت پیش می‌آید آن است که اگر مرتکب قصد کشتن یک نفر را داشته باشد، اما دو یا چند نفر کشته شوند، تکلیف چیست؟ مانند آنکه مرتکب قصد کشتن یک فرد مشخص را داشته باشد، اما تیراندازی او با انحراف از فرد مزبور موجب مرگ سه کودک شود یا بمب‌گذاری او که به

قصد کشتن یک نفر صورت گرفته است، موجب مرگ ۲۰ نفر دیگر که به صورت اتفاقی در محل بمب‌گذاری حاضر شده‌اند، شود؟

در این حالت، مرتکب قصد کشتن یک نفر را داشته است، اما افراد متعدد دیگری در اثر رفتار او کشته شده‌اند. بدیهی است که نمی‌توان قتل تمامی افراد فوق را عمدی دانست، زیرا مرتکب تنها قصد کشتن یک نفر را داشته است، حال آنکه در مثال اول، موجب کشتن سه نفر و در مثال دوم موجب کشتن ۲۰ نفر شده است. از طرف دیگر، عمدی دانستن قتل تنها یکی از ۳ یا ۲۰ نفر نیز سخنی است که ضعف آن نیاز به توضیح ندارد. این مسئله نشان می‌دهد که استدلال فوق در عمدی دانستن اشتباه در هدف قاصر است.

آری، فردی که قصد کشتن انسانی را دارد و رفتار او به دیگری اصابت می‌کند، از نظر خطرناکی با فردی که قصد قتل انسانی را داشته و او را نیز کشته است، تفاوتی ندارد، اما این استدلال، سوءنیت مرتکب را ثابت نمی‌کند، زیرا هرچند مرتکب نسبت به فرد موردنظر دارای سوءنیت است، اما سوءنیت او به نتیجه نرسیده و به بار ننشسته است و با منتفی شدن موضوع سوءنیت، نمی‌توان بار دیگر از آن استفاده کرد و به موارد دیگر نیز تسری داد.

با این حال، اشتباه در هدف‌گیری عضو، موجب زوال عنوان جنایت عمدی نخواهد بود. در پرونده قتل، دو نفر برای دیگری چوپانی می‌کردند. طبق اظهارات متهم، مقتول داخل چادر در محل چرای گوسفندان مشغول تریاک کشیدن بود که متهم به او بیان کرد که گوسفندان را برای خوردن آب می‌برد. وقتی که متهم برگشت، مقتول با چوب دو ضربه به پای او زد. متهم نیز چوب را از او گرفت، درصدد برآمد که به کتف مقتول بزند، ولی ضربه‌اش به سر وی اصابت کرد. سپس متهم جسد مقتول را به دوش گرفت، به غاری برد و آتش روشن کرد. متهم مدعی بود که آتش را سریع خاموش کرده و نفهمیده است که چه مقدار از جسد سوخته است. در محاکمه متهم، دادگاه رسیدگی‌کننده با لحاظ نتیجه کالبدشکافی که علت تامه مرگ را شکستگی جمجمه و خونریزی نسج مغز بر اثر اصابت جسم سخت تعیین کرده بود و همچنین عدم اقامه دلیل از جانب متهم در خصوص اینکه ابتدا مقتول به او حمله کرده است، مرتکب را به قصاص نفس محکوم کرد و رأی صادر شده در دیوان عالی کشور نیز تأیید شد (دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۷۳۰۰۶۲۶ مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۳۰، شعبه ۱۳ دیوان عالی کشور؛ پژوهشگاه قوه قضاییه، ۱۳۹۳، ۱۳۷ و ۱۳۸). دلیل چنین رویکردی این است که انسان با تمامی اعضایش هدف واحدی قلمداد می‌شود و آنچه پُراهمیت است، مطابقت نتیجه حاصله با علم (و یا خواسته‌ی) مرتکب است (اعتمادی، ۱۴۰۳: ۱۳۸)؛ در نتیجه، تغییر در محل ایراد ضرب تأثیرگذار نیست.

۳. آموزه انتقال سوءنیت و نقد آن

در نظام کیفری انگلستان و ویلز، با استفاده از دکترین سوءنیت انتقال یافته^۱، اشتباه در هدف را عمدی می‌دانند. به موجب این آموزه، فردی که قصد ارتکاب جرم علیه فردی را داشته باشد، ولی رفتار او بر فرد دیگری واقع شود، سوءنیت وی نسبت به فرد اول، به شخص دوم منتقل خواهد شد (26: Elliott & Quinn, 2010; 199: Ashworth, 2006). در این خصوص، برخی حقوقدانان انگلیسی اظهار کرده‌اند که قابل فهم است که متهم نباید دفاع خودش را بر مبنای این ادعا استوار سازد که «من در نظر نداشتم که زن را بکشم، می‌خواستم مرد را بکشم». چنین ادعایی به ندرت دفاع فریبنده‌ای است! (هرینگ، ۲۰۰۳: ۴۸).

از این رو، در مواردی که متهم از عنصر مادی و عنصر روانی مناسب برای جرم کیفری معینی برخوردار است، ولی جرم موردنظر «هدف» متفاوتی (اعم از شخص یا مال) از هدفی دارد که متهم قصد کرده است که به آن بزند، آنگاه، متهم هم چنان مقصر به جرم است (کراس، ۲۰۰۴: ۱۰۱). در پرونده *لتیمیر* (۱۸۸۶)^۲، متهم با کمر بند به مردی هجوم آورد. کمر بند کمانه کرد، به بزه دیده خورد و سبب جراحت در صورت او شد. مقرر شد که متهم آنچه قضات سوءنیت عام می‌خوانند، را دارا بوده است. در این پرونده، محکومیت مهاجم تأیید شد، چراکه با به کارگیری آموزه سوءنیت انتقال یافته، عنصر روانی لازم منتقل می‌شود، از مردی که مهاجم با کمر بند به وی حمله کرد، به کسی که در عمل متحمل جراحت شد. از قرار معلوم، در دکترین مورد بحث، همین که مرتکب یک انسان (نه لزوماً انسان معینی) را هدف قرار دهد، در حالی که علم نیز دارد که موضوع عمل ارتكابی اش یک انسان زنده (نه طور ضروری انسان زنده معینی) است، سوءنیت عام او احراز می‌شود (اعتمادی، ۱۳۹۶: ۱۰۴). البته باید توجه داشت که اگر قصد مرتکب به کلی دگرگون شود، آموزه بالا قابل استناد نیست. در پرونده *پمبلتون* (۱۸۷۴)^۳، متهم سنگی را به طرف برخی افراد که در حال نزاع با آنها بود، پرتاب کرد. سنگ به هدف نخورد، ولی پنجره‌ای را شکست. وی به علت تخریب با سوءنیت پنجره مقصر شناخته نشد، زیرا اگرچه قصد صدمه به شخص موردنظر را داشت، ولی قصد ایراد خسارت به پنجره را نداشت. در واقع، انتقال قصد ممکن نبود که موجب محکومیت مرتکب شود، زیرا عنصر روانی انتقال یافته^۴ می‌بایست عنصر روانی جرم روی داده باشد. در این پرونده، نه تنها هدف مورد اصابت انسان نبود، بلکه عنصر روانی خاص خود (مرتبط با تخریب کیفری) را نیز می‌طلبید.

1. Transferred intent/malice doctrine
 2. Latimer (1886) 17 QBD 359
 3. Pembliton (1874) 2 CCR 119
 4. Mens rea transferred

افزون بر این، آموزهٔ یادشده به «انتقال مضاعف»^۱ تعمیم داده نمی‌شود (کار و جانسن، ۱۳۹۶: ۸۹). در این زمینه در پرونده‌ای، متهم به دوست‌دخترش از ناحیهٔ صورت، کمر و شکم با چاقوی تیغه‌بلند آشپزخانه زخم زد. دوست‌دختر حامله بود و پیش از موقع نوزاد را به دنیا آورد، نوزادی که چهار ماه بعد مُرد. با اینکه مرتکب به قتل عمد متهم شد، اما تبرئهٔ او تأیید شد، زیرا قصد چاقو زدن به مادر (که زنده بود)، نمی‌توانست به سازواره‌ای (که زنده نبود) منتقل شود، و به نوبهٔ خود، ممکن نبود که بزهدیده قتل عمد باشد. دادگاه رسیدگی‌کننده همچنین مفهوم «قصد انتقال یافتهٔ مضاعف»، یعنی یک‌بار از مادر به جنین، و سپس، از جنین به نوزادی که به دنیا آمد، را رد کرد.^۲ پرسش این است که انتقال سوءنیت به شرح بالا قابل پذیرش است و می‌توان تصور کرد که سوءنیت مرتکب از فرد موردنظر به مجنی‌علیه منتقل شود؟

حقیقت آن است که دکترین سوءنیت انتقال یافته تنها برای توجیه عمدی بودن قتل در حالت اشتباه در هدف بیان شده است و از نظر علمی قابل دفاع نیست، زیرا به‌طور کلی، موضوع سوءنیت انسان «فرد یا گروه معین» و یا «افراد نامعین» (مانند بمب‌گذاری در مترو) است که این دو، ماهیت متفاوتی دارند، زیرا برخلاف مورد اخیر که به دلیل تعلق سوءنیت مرتکب به افراد نامعین، به تعداد آنها سوءنیت وجود دارد، سوءنیت مرتکب در حالت اول، محدود و منحصر در یک یا چند نفر است و از این رو اگر مرتکب به قصد کشتن الف به سمت او تیراندازی کند، چون سوءنیت وی واحد و یگانه است، با «برخورد» یا «عدم به برخورد» به الف، حیات آن به پایان می‌رسد و در صورت اصابت رفتار به فردی دیگر، سوءنیتی وجود ندارد که بتوان به استناد آن، جنایت اخیر را عمدی دانست (محمدخانی، ۱۴۰۳: ۸۹).

اما، تعلق سوءنیت به موضوع جرم به دو صورت است؛ حالت اول که انسان، مصداق مشخصی را قصد نکرده و بلکه تمامی مصداق‌ها را قصد می‌کند؛ مانند آنکه با بمب‌گذاری در یک مکان عمومی، قصد کشتن تمامی افراد حاضر در آنجا را بنماید که سوءنیت مرتکب نسبت به تمامی افراد مزبور وجود دارد، زیرا در قصد کلی، قصد افراد قهراً وجود دارد و انطباق کلی بر افراد، یک امر قهری است (مرعشی، ۱۳۷۶: ۱۰۷).

اما در حالت دوم که موضوع اشتباه در هدف است، مرتکب، قصد انسان معینی می‌کند که همین قصد او به مفهوم عدم قصد بقیهٔ انسان‌هاست، زیرا انصراف اراده به یک یا چند امر مشخص و نه تمامی مصداقیق آن، به معنای آن است که از میان همهٔ مصداقیق، تنها یک یا چند موضوع، مورد قصد قرار گرفته و بقیهٔ موضوعات خارج از نیت فرد قرار دارند. بنابراین، زمانی که فردی قصد کشتن یک انسان را می‌کند، این قصد مشخص به معنای عدم قصد تمامی

1. Double transfer

2. See Attorney General's Reference (No. 3 of 1994) [1998] AC 245

انسان‌های دیگر غیر از موضوع قصد اوست و از این‌رو چنانچه انسانی غیر از آنکه موردنظر او بوده است، کشته شود، نسبت به او فاقد نیت مجرمانه است (محمدخانی، ۱۳۹۷: ۲۳۸-۲۳۹).

۴. توجه به حالت دوم اشتباه در هدف

همان‌طور که بیان شد، اشتباه در هدف دو حالت دارد که مورد دوم آن در نوشته‌های حقوقی مورد توجه قرار نمی‌گیرد. حالت اول اشتباه در هدف آن است که رفتار مرتکب بر فرد موردنظر اصابت نکرده و تنها به انسانی دیگر برخورد کند. مانند آنکه تیر رهاشده به قصد کشتن الف به او اصابت نکرده و تنها ب را بکشد و یا در جرم توهین، کیسه زباله پرتابی به سمت یک فرد به‌فرد دیگر اصابت کند. اما حالت دوم اشتباه در هدف زمانی رخ می‌دهد که رفتار مرتکب علاوه بر فرد یا موضوع موردنظر، به یک انسان یا موضوع دیگر نیز اصابت کند. مانند آنکه غذای مسمومی که مرتکب برای کشتن الف در اتاق او گذاشته است، توسط الف و ب خورده شده و موجب مرگ هر دو شود و یا کیسه زباله پرتابی به سمت الف برای توهین به او، پس از برخورد به الف به شخص دیگری نیز اصابت کند و موجب آلوده شدن او شود و یا در مثالی در خصوص جرم تخریب، سنگی که برای تخریب اتومبیل یک فرد پرتاب شده است، پس از برخورد با اتومبیل موردنظر و تخریب آن، به اتومبیل دیگری نیز برخورد کند و آن را نیز تخریب کند. در این حالت، مرتکب به نتیجه مقصود رسیده و فرد موردنظر خود را کشته و یا در هدف خود مبنی بر توهین و تخریب موفق شده است و از این‌رو نمی‌توان گفت که چون او قصد قتل یک انسان (یا توهین به یک انسان یا تخریب یک مال) را داشته است، هر فرد (یا موضوع) دیگری نیز که علاوه بر فرد موردنظر کشته شود یا مورد توهین و تخریب قرار گیرد، نسبت به او نیز سوءنیت وجود دارد!!

حتی می‌توان تصور کرد که رفتار مرتکب علاوه بر فرد موردنظر، موجب مرگ تعداد زیادی شود، مانند آنکه فردی به قصد کشتن الف، مکان سکونت او را که در محلی متروکه در خارج از شهر است، بمب‌گذاری کند؛ با این تصور که بمب‌گذاری مذکور تنها موجب مرگ الف خواهد شد. اما برخلاف تصور او در روز انفجار، عده زیادی به‌صورت کاملاً اتفاقی در کنار محل سکونت الف حاضر می‌شوند و انفجار بمب موجب مرگ آنها نیز خواهد شد. بدیهی است که فرض اخیر از نظر ماهیت، تفاوتی با فرض اول که رفتار مرتکب تنها به فرد غیرمقصود اصابت می‌کند، ندارد و در هر دوی آنها، مرتکب قصد کشتن یا توهین به مجنی‌علیه و یا تخریب مال غیرمقصود را نداشته است.^۱

۱. عرف نیز جنایت ناشی از اشتباه در هدف را عمدی نمی‌داند. برای بررسی این مطلب، می‌توان پاسخ پرسش‌های زیر را از افراد عادی جامعه که سواد حقوقی ندارند، جویا شد و صحت این امر را راستی‌آزمایی کرد:
- اگر الف به سمت ب شلیک کند و تیر او به کودکی که در طرف دیگر خیابان است، برخورد کند، آیا از دیدگاه عرفی می‌توان

نتیجه

اشتباه در هدف حالتی است که رفتار مرتکب بر موضوع غیرمقصود وارد می‌آید؛ اعم از آنکه بر موضوع مقصود نیز اصابت کند یا نکند و از این‌رو اشتباه در هدف دو حالت دارد: ۱. رفتار علاوه بر موضوع مقصود، به موضوع یا موضوعات غیرمقصودی نیز وارد شود؛ و ۲. رفتار مرتکب تنها به موضوعات غیرمقصود وارد شود. نتیجه تحقیق حاضر این است که صرف‌نظر از حکم اشتباه در هدف در حقوق ایران و کشورهای دیگر، این نوع اشتباه از نظر ماهیتی، غیرعمدی می‌شود، زیرا اولاً باید سوءنیت را از تصمیم تفکیک نمود. مرتکب اشتباه در هدف تصمیم به ارتکاب یک جنایت عمدی دارد، اما برخلاف تصمیم که ناظر بر آینده است، سوءنیت تنها و لایذ نسبت به یک رفتار در حال تحقق تشکیل می‌شود و از این‌رو وجود تصمیم مساوی با وجود سوءنیت نیست.

پس، برای تشخیص ماهیت اشتباه در هدف باید خطرناکی مرتکب را از وجود سوءنیت تفکیک کرد. مرتکب اشتباه در هدف همانند فردی که مرتکب جرم عمدی شده است، دارای خطرناکی است، اما این امر از اثبات سوءنیت او عاجز است، زیرا صرف‌نظر از تفاوت بین تصمیم و سوءنیت، ممکن است قصد مرتکب ارتکاب جنایت، تنها بر یک موضوع باشد، اما در عمل بیش از یک موضوع صدمه ببینند که نمی‌توان گفت که چون مرتکب قصد ارتکاب رفتار بر یک موضوع داشته، ارتکاب رفتار او بر تمامی موضوعات موجب تحقق جرم عمدی خواهد شد.

همچنین اگر جنایت مرتکب علاوه بر موضوع مقصود، به موضوع دیگری نیز اصابت کند، چون نیت مرتکب به بار نشسته است، نمی‌توان این استدلال را پذیرفت که چون مرتکب قصد ارتکاب رفتار بر یک موضوع را داشته است؛ ارتکاب رفتار او بر موضوعات دیگر نیز جرم را عمدی خواهد ساخت. مانند آنکه تیر ارتكابی مرتکب که به قصد کشتن الف شلیک شده است، علاوه بر الف، به شخص ب نیز اصابت کند و او را نیز بکشد که در این حالت، مرتکب به مقصود خود رسیده و نمی‌توان گفت که چون وی قصد کشتن یک انسان را داشته است، کشتن هر انسانی

گفت که الف، آن کودک را به‌عمد کشته است؟

- اگر فردی غذای شخص الف را به قصد کشتن او به سم آلوده کند، اما در روز حادثه شخص ب نیز به‌صورت اتفاقی در محل حاضر و با او هم‌غذا شده و سم موجود در غذا موجب مرگ هر دو شود، آیا از نظر عرفی می‌توان گفت که مرتکب شخص ب را نیز به‌عمد کشته است؟

حقیقت آن است که تفاهم عرفی افراد جامعه، قتل‌های مذکور را عمدی نمی‌داند؛ هرچند به‌دلیل آنکه مرتکب خواهان قتل یک انسان بوده است، او را سزاوار شدیدترین کیفرها بدانند. این امر نشان می‌دهد که مفاهیم مرتبط با عنصر روانی اعم از عمد و بی‌احتیاطی و مانند آن، پیش از آنکه مفاهیمی قانونی و حقوقی باشند، انسانی و اجتماعی هستند و انسان‌ها مفاهیم مزبور را برحسب درک فطری و البته با توجه به پیشرفت تفکر هر دوره از دوره‌های تاریخی، در جنبه‌های مختلف زندگی به‌کار می‌بندند (محمدخانی، ۱۳۹۵: ۲۴).

علاوه بر فرد موردنظر او نیز عمدی خواهد بود. این مسئله نشان می‌دهد که اشتباه در هدف در هر دو حالت آن موجب تحقق جنایت عمدی نخواهد شد.

شایان ذکر است علاوه بر استدلال‌های مذکور، عرف جامعه نیز جنایت ناشی از اشتباه در هدف را عمدی نمی‌داند، زیرا هرچند مرتکب را به دلیل قصد ایراد جنایت بر یک انسان، سزاوار شدیدترین کیفرها بداند، اما جنایت وی را نسبت به فردی که مورد قصد نبوده است، عمدی به حساب نمی‌آورد.

منابع

الف) فارسی و عربی

۱. آقایی‌نیا، حسین (۱۳۹۹). *جرایم علیه اشخاص: جنایات*. چ هجدهم، تهران: میزان.
۲. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۲). *حقوق جزای عمومی*. ج ۲، چ بیست‌وهشتم، تهران: میزان.
۳. استفانی، گاستون؛ لواسور، ژرژ؛ بولک، برنار (۱۳۷۷). *حقوق جزای عمومی*. ج ۱، جرم و مجرم، ترجمه حسن دادبان، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
۴. اعتمادی، امیر (۱۳۹۶). *حقوق کیفری اختصاصی تطبیقی: تهاجم علیه اشخاص*. چ اول، تهران: میزان.
۵. اعتمادی، امیر (۱۴۰۳). *جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص*. چ اول، تهران: میزان.
۶. انوری، حسن و دیگران (۱۳۹۳). *فرهنگ بزرگ سخن*. ج ۱ و ۸، چ هشتم، تهران: سخن.
۷. بازگیر، یدالله (۱۳۸۲). *قانون مجازات اسلامی در آیین آراء دیوان عالی کشور-۲: قتل شبیه عمد و خطای محض*. چ دوم، تهران: بازگیر.
۸. باهری، محمد (۱۳۸۱). *حقوق جزای عمومی*. تهران: رهام.
۹. بازگیر، یدالله (۱۳۸۲). *قانون مجازات اسلامی در آیین آراء دیوان عالی کشور-۱: قتل عمد*. ج ۱، چ دوم، تهران: بازگیر.
۱۰. پژوهشگاه قوه قضاییه (۱۳۹۳). *مجموعه آرای قضایی شعب دیوان عالی کشور (کیفری)*. دی ۱۳۹۱، چ اول، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
۱۱. یاد، ابراهیم (۱۳۸۵). *حقوق کیفری اختصاصی: جرایم نسبت به اشخاص*. تهران: دانشور.
۱۲. پرادل، ژان (۱۳۸۶). *جرایم علیه اشخاص*. ترجمه و تحقیق مجید ادیب، تهران: میزان.
۱۳. پوربافرانی، حسن (۱۳۹۲). *جرایم علیه اشخاص: صدمات جسمانی*. چ دوم، تهران: جنگل.
۱۴. زراعت، عباس (۱۳۹۴). *جرایم علیه اشخاص*. چ سوم، تهران: جنگل.
۱۵. سپهوند، امیرخان (۱۳۸۶). *جرایم علیه اشخاص*. تهران: مجد.
۱۶. شهید اول (بی‌تا). *اللمعه‌الدمشقیه*. قم: دارالفکر.
۱۷. شهید ثانی (بی‌تا). *شرح‌اللمعه*. ج ۱۰، تحقیق از سید محمد کلانتر، بی‌جا، بی‌نا.
۱۸. صادقی، محمدهادی (۱۳۹۳). *جرایم علیه اشخاص*. چ بیستم، تهران: میزان.

۱۹. عبید، رؤوف (۱۹۷۹). *مبادئ القسم العام من التشريع العقابي*. بی‌جا: دارالفکر العربی.
۲۰. علامه حلی (۱۴۱۳). *قواعد الاحکام*. ج ۳، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۲۱. عوض محمد عوض (۱۹۸۰). *قانون العقوبات*. قسم العام، اسکندریه: دارالمطبوعات الجامعیه.
۲۲. فاضل اصفهانی (بی‌تا). *کشف اللثام*. ج ۱۱، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۲۳. کاشف‌الغطاء، محمدحسین (بی‌تا). *اصل شیعہ و اصولها*. بی‌جا: مؤسسه الامام علی (ع).
۲۴. کراس، نوئل (۱۴۰۴). *حقوق کیفری برای جرم‌شناس‌ها: اصول و نظریه‌های عدالت کیفری*. ترجمه امیر اعتمادی، چ اول، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
۲۵. کار، کلودیا؛ مورین، جانسن (۱۳۹۶). *سرآغازی بر حقوق کیفری انگلستان و ویلز*. ترجمه امیر اعتمادی، چ اول، تهران: میزان.
۲۶. محسنی، مرتضی (۱۳۸۲). *دوره حقوق جزای عمومی*. ج ۲، پدیده جنایی، چ دوم، تهران: کتابخانه گنج دانش.
۲۷. محمدخانی، عباس (۱۴۰۳). *جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص*. تهران: سمت.
۲۸. محمدخانی، عباس (۱۳۹۵). *عنصر روانی جرم*. ج ۱، کلیات عنصر روانی - عنصر روانی جرائم عمدی، تهران: میزان.
۲۹. محمدخانی، عباس (۱۴۰۳). *عنصر روانی جرم*. ج ۲، جرائم غیرعمدی، تهران: میزان.
۳۰. مرعشی، سید محمدحسن (۱۳۷۶). *دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام*. ج ۱، چ دوم، تهران: میزان.
۳۱. معین، محمد (۱۳۸۷). *فرهنگ فارسی*. تهران: انتشارات فرهنگ نما با همکاری انتشارات آراد.
۳۲. میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۹۹). *جرایم علیه اشخاص*. چ بیست و نهم، تهران: میزان.
۳۳. نجیب حسنی، محمود (۱۹۹۲). *شرح قانون العقوبات*. القسم الخاص، قاهره: دار النهضه العربیه.
۳۴. هرینگ، جاناتان (۱۴۰۳). *مقدمات حقوق کیفری*. ترجمه امیر اعتمادی، چ اول، تهران: میزان.

ب) انگلیسی

- Books

35. Allen, M.J. (1997). *Textbook on Criminal Law*. Fourth Edition, Blackstone Press Limited.
36. Ashworth, A. (2006). *Principles of Criminal Law*. Fifth Edition, Oxford university press.
37. Bohlander, M. (2009). *Principles of German Criminal Law*. Oxford and Portland, Oregon.
38. Elliott, C. & Frances Quinn (2010). *Criminal Law*. Eighth edition, Pearson Longman.
39. Lafave, W. R. (2000). *Criminal Law*. West Grup, Third Edition.

40. Wilson, W. (1998). *Criminal Law. Theory and Doctrine*, Second Impression, Longman.

Cases

41. *Attorney General's Reference* (No. 3 of 1994) [1998] AC 245
42. *Latimer* (1886) 17 QBD 359
43. *embliton* (1874) 2 CCR 119

